

تحریم اقتصادی (Embargo- sanction) یا محدودیت اقتصادی (economic restriction) کنده در برخی متون حقوقی از آن به «**قذاسات** محدودکننده» (restrictive measures) اقتصادی یا تجاری تعبیر می‌شود، مجموعه اقدامات موقت، استثنایی و محدودکننده‌ای است که یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها یا یک سازمان منطقه‌ای یا بین‌المللی به دلیل نقض یک تعهد و برای نیل به اهدافی خاص، علیه نظام تجاری یا اقتصادی دولت ناقض تعهد، وضع و اعمال می‌کنند. این محدودیت‌ها می‌تواند بر بخش‌هایی از تجارت، سرمایه‌گذاری و نقل و انتقال سرمایه و کالا، حمل‌ونقل و پوشش بیمه، اعتبارات بانکی و… اعمال شود. لازم به یادآوری است با وجود اینکه تصور می‌شود تحریم‌ها از نظر حقوق بین‌الملل یک واقعیت پذیرفته‌شده و در چارچوب اعمال حاکمیت و اراده کشورهای تحریم‌کننده است اما کیفیت و کمیت اعمال این تحریم‌ها و تأثیرات سیاسی – اقتصادی و حقوق‌ بشری آن همواره از مواردی بوده که مورد بحث و چالش حقوق‌دانان بوده است.

اهداف سیاسی اعلام شده یا پنهانی تحریم‌ها

در موردی از تحریم‌های اعمال‌شده، حمایت از وضعیت حقوق‌ بشر، ملی‌ سازی صنایع خصوصی (Nationalization)، منع اشاعه سلاح‌های گسترجمشی (Non-Proliferation of Weapons of Mass Destruction)، مقابله با تروریسم و پولشویی، حفظ محیط‌زیست یا نقض شدید یک تعهد بین‌المللی از جمله اهداف تحریم‌های اعلام شده است. اما به‌واقع باید گفت بنا بر برخی تحقیقات کارشناسی، برخی اهداف غیرمشروع همچون بی‌ثبات کردن یک نظام سیاسی برای کسب منافع نامشروع، تهدید به زور یا حتی سرنگونی و براندازی یک دولت قانونی از اهداف اعلام‌شده برخی تحریم‌ها بوده است.

تحریم‌های ایالات متحده

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ اخیر تحریم‌های اقتصادی، ظهور آمریکا به‌عنوان متمایل‌ترین کشور برای اعمال تحریم‌ها به منظور اهداف مربوط به سیاست خارجی است. بین سال‌های ۱۹۲۲ و ۱۹۹۶ آمریکا ۶۱ تحریم یک‌جانبه را اتخاذ کرد که از میان آنها ۲۳ تحریم متوجه ۲۵ کشور شده است که روی‌هم‌رفته ۴۲درصد جمعیت جهان را شامل می‌شود. این کشور برای نمونه در طول سال‌های گذشته علیه کشورهای مختلفی مانند برمه، چین، سودان، برزیل، شیلی، کوبا، اتیوپی، ایران، کره‌شمالی، آرژانتین، هند، پاکستان، آفریقای جنوبی، تایوان، لیبی، سوریه و برخی کشورهای دیگر اقدام به وضع تحریم یا اقدامات محدودکننده کرده است که بنا بر نتایج انتشار یافته از س‌وی برخی مراکز تحقیقاتی معتبر آمریکایی، اکثریت این تحریم‌ها به اهداف خود نایل نشده‌اند.

دوره بیل کلینتون

در سال ۱۹۹۶ (دوره رییس‌جمهوری کلینتون) کشور آمریکا با گذراندن قانون ILSA (موسوم به داماتو) هر شرکتی هر چند خارجی را که با ایران بیش از ۲۰ میلیون دلار (که بعدا به ۴۰ میلیون دلار افزایش یافت) سرمایه‌گذاری و داد و ستد تجاری داشته باشد مورد تحریم قرار داد.

دوره جرج بوش

۱- تمدید قانون ILSA (داماتو) در ۳۰/۱/۲۰۰۱:استمرار تحریم‌های صنعت نفت و گاز ایران. این قانون بعدها به ISA تغییرنام یافت.

۲-برقراری برخی تحریم‌های علمی

علیه ایران در سال ۲۰۰۲

- دستور اجرایی ۱۳۳۸۲ مورخ ۲۰۰۵/۶/۲۸ در تکمیل دستورهای اجرایی شماره ۱۲۹۳۸ و ۲۰۰۴:تحریم افراد مرتبط با صنایع موشکی و هسته‌ای ایران و مرتبطان آمریکایی یا خارجی آنها

در واقع دستور اجرایی ۱۳۳۸۲ به همراه قانون داماتو که بعدها به سیساندا ارتقا یافت، دو رکن اصلی تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا را تشکیل می‌دهند. بنابراین مقررات بسیاری از شرکت‌ها و نهادهای تجاری مالی و خدماتی ایرانی و شریکان خارجی آنها هم از دولتی و غیردولتی مورد تحریم واقع شدند.

-تصویب قانون Iran Freedom Support Act (IFSA) در کنگره مورخ ۲۰۰۶/۹/۳۰: تمدید و اصلاح و افزایش دامنه قانون داماتو و گسترش تحریم‌ها در این دوره یکی از بزرگ‌ترین کلکسیون‌های بانسانی تخت جمشید که به صورت امانت در اختیار یکی از دانشگاه‌های آمریکا قرار داشتند با صدور قرار دادگاه فدرال آمریکا مورد محدودیت قرار گرفت.

- دستور اجرایی ۱۳۴۳۸ مورخ ۲۰۰۷/۷/۱۷: تحریم به بهانه دخالت در عراق

در همین دوره، ایران از فهرست خدمات‌رسانی شرکت‌های مایکروسافت و یاهو خارج شد و چند بانک ایرانی و چند موسسه و نهاد و فرد از س‌وی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده مورد اتهام و تحریم قرار گرفتند.

از س‌وی دیگر در طول سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷:تحریم‌های خاص دیگری از س‌وی ایالت‌های فلوریدا، نیوجرسی، کالیفرنیا، اوهایو و ماساچوست بر ایران اعمال شد.

دوره باراک اوباما

- تمدید تحریم‌ها علیه ایران در ۲۰۰۹/۳/۱۹ باراک اوباما،رییس‌جمهور کرات‌ر ابتدایی،ریاست‌جمهوری آمریکا با وجود شعار تمایل به دوستی با ایران در مارس ۲۰۰۹، تمدید شرایط انضطاری و خطر ایران، تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران را که به موجب قانون «اعمال قدرت اقتصاد در شرایط انضطاری بین‌المللی» (IEEPA) عمل می‌کرد، به مدت یکسال دیگر تعدید کرد.

-تصویب و اجرای قانون «قانون جامع تحریم‌ها، مسوولیت‌پذیری و حریمیت ایران» (CISADA) در کنگره مورخ ۲۰۰۷/۱۰: تحریم انرژی، بانکی و فروش بزرین به ایران

براساس بند ۲ ماده ۱۰۲ قانون، شرکت‌های خارجی

موظفند در انعقاد قرارداد با دولت آمریکا گواهی دهند که قانون

تحریم‌های ایران را نقض نکرده‌اند. این ماده در جهت فشار به شرکت‌های خارجی در جهت رعایت تحریم‌هاست چراکه در غیر این‌صورت قرارداد فسخ می‌شود و مجازات‌های دیگری علیه آنها اعمال می‌شود.

بخش دیگری از قانون مزبور با هدف خراج کردن ایران از

بازارهای مالی بین‌المللی تنظیم شده است. ماده ۱۰۴ قانون سیسانا به‌جای فشار مستقیم به ایران، تهدید و تحریم بانک‌های کارگزار خارجی را در دست‌سور کار قرار داده است و مجازات‌های خاصی را علیه این نهادهای مالی روا می‌دارد.

- دستور اجرایی ۱۳۵۵۳ مورخ ۲۰۰۷/۹/۲۹: تحریم چند مقام امنیتی و انتظامی ایران به بهانه حقوق بشر

- دستور اجرایی ۱۳۵۴۷ مورخ ۲۰۰۷/۵/۲۳: استنادا داری‌های ناقضان تحریم سیسانا (یعنی سرمایه‌گذاران بیش از ۲۰۰میلیون دلار در بخش نفت و گاز ایران)

- درج نام بانک مرکزی در فهرست نهادهای پولشویی در نوامبر ۲۰۱۱

- دستور اجرایی ۱۳۵۹۰ مورخ ۲۰۱۱/۱۱/۱۹: تحریم فراسرزمینی سرمایه‌گذاری و پتروشیمی ایران

- طرح تحریم بانک مرکزی ایران (H. R. 1540) در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱ در کنگره آمریکا تصویب شد و در ۲۱ دسامبر ۲۰۱۱ به‌عنوان ضمیمه قانون بودجه وزارت دفاع این کشور (قانون اختیارات دفاعی ۲۰۱۲) توسط اوباما تنفیذ شد.

به طور کلی همچنان که مشهود است نظام تحریم‌های یک‌جانبه آمریکایی علیه ایران بر سه پایه است: ۱- قوانین پایه نظیر IEEPA و ۲- قوانین کنگره و ۳- دستورهای اجرایی رییس‌جمهور استوار بوده است.

بررسی تاریخ برقراری محدودیت‌های اقتصادی توسط اروپا نشان می‌دهد که برخی کشورهای این اتحادیه و نیز نهاد اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر در پیگیری برخی اهداف اعلام شده یا نشده خود علاوه بر پیگیری تحریم‌های ناشی از تصمیمات شورای امنیت، تمایل بیشتری به تحریم‌های فراطقلعه‌امای نشان داده‌اند. این تحریم‌ها تحریم اقدام نظامی، صادراتی و وارداتی، سرمایه‌گذاری، مسافرت، حمل‌ونقل، همکاری‌های فنی و برخی موارد دیگر را در بر می‌گیرد. این محدودیت‌ها احتمالا به‌منظور بیان اختلاف ماهوی با تحریم‌های شورای امنیت علیه ششورها، که از آن به‌عنوان «اقدامات محدودکننده» (- Restri tive Mesures) نام برده شده است، هرچند در مواردی مانند عبارتی از متن قطعنامه ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ اتحادیه علیه ایران از واژه «Sanction» یا «Embargo» نیز استفاده شده است. مورد اخیر یعنی قطعنامه ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ شاخص‌ترین و جدی‌ترین رویکردهای فرا قطلعه‌امای اتحادیه علیه ایران است که لازم است از نظر حقوقی مورد نقد و بررسی قرار گیرد. در این خصوص و صرفا برای بیان گسترزدگی اقدامات محدودکننده‌ای که اتحادیه اروپا، علیه ایران (و به عنوان رویه‌ای خارج از چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت علیه این کشور) اتخاذ کرده، تنها به برخی از نکات مهم آخرین قطعنامه‌های تحریمی اتحادیه علیه این کشور که در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ در شورای وزیران و در دوم فوریه ۲۰۱۲ در پارلمان اروپا و مقررات اجرایی آن در شماره ۱۲/۲۰۱۲ در ۲۴ ژانویه به تصویب رسید ا اشاره و

نقد فتم

تحریم پتروشیمی و سرمایه‌گذاری در این حوزه -تحریم بانک مرکزی شامل اسناد دارایی‌های بانک مرکزی در قلمرو دولت‌های اتحادیه، تجارت فراتر از گرنه‌ای با نهادهای دولتی ایران و بانک مرکزی، تحویل اسکناس و مسکوکات به این بانک

- تحریم کالاهای حساس و با کاربرد دوگانه

- گسترش فهرست تحریم افراد نسبت به قطعنامه‌های گذشته

با توجه به مقررات فوق‌الذکر و شرایط سخت و مضیق در منشور ملل متحد که سند اساسی مبنا و مشروعیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، تحریم‌ها و اقدامات محدودکننده آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران، به طور جدی مورد تردید و ابهام حقوق‌دانان بوده است.

از س‌وی دیگر بنا بر قواعد کلی مربوط به حقوق کیفری و قواعد مسوولیت مدنی که ناشی از مقررات نظام‌های حقوقی و عرف بین‌المللی است، حتی اگر در سایر اصول و فصول دیگر منشور، تفسیر موسع مجاز باشد، س‌واسفاده از نهاد شورای امنیت سازمان ملل و تفسیر موسع مواد مربوط به این موضوع در منشور ملل متحد، به این گونه مورد که به تهدید حاکمیت دولت‌ها منجر می‌شود، هر گز جایز و پذیرفته نیست و از این باب باید

حرمت منشور به عنوان دستاورد عظیم همکاری‌های بین‌المللی پس از دو جنگ جهانی به عنوان سندی اساسی ضامن حفظ و مسوولانه (Good Governance)

و مشروط بر مطابقت کامل با الزامات حقوق بین‌الملل وضع و اعمال خواهد شد.(بند۲)

- تحریم‌ها وقتی موثرند که حمایت بیش‌تری از اعضا و جامعه بین‌المللی را

داشته باشند.(بند ۴)

لروما باید به تعهدات مربوط به تهدید نکردن و توسل به زور (آن گونه که در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد نیز تصریح شده)، تعهدات حقوق‌بنیادین بشری و بشردوستانه (کنواسیون‌ها و اسناد حقوق بشر و بشردوستانه)، قواعد امره حقوق بین‌الملل عام و مصونیت‌های دیپلماتیک بایبند بوده و از آن تخطی نکند. (ماده ۵۰ طرح) - دولت‌ها، نباید هدف هر گونه یا تر کبسی از اقدامات متقابل (بدون توجه به نتایج یا شدتی که بر آن دولت تحمیل می‌شود) قرار گیرند.

بندهای ۲ و ۳ ماده ۴۹ طرح)

این اصول همچنان که گفته شد در دیوان‌ها و آرای قضایی به دفعات مورد توجه و استناد قرار گرفته است. همچنین برخی از این قواعد در «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها» مصوب ۱۹۷۰ مجمع عمومی ملل متحد که از اسناد مهم بین‌المللی در زمینه قواعد حاکم بر مسوولیت و رفتار دولت‌هاست، مورد تاکید واقع شده است. حال باید دید آیا وضع اقدامات محدودکننده ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه ایران بر خودر دار از رعایت این شروط بوده است؟ و پاسخ باید یادآور شد با توجه به تصریح مواد ۲ و ۳ موافقت‌نامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بر مسوولیت و رفتار دولت‌هاست، مورد تاکید واقع شده است. حال باید دید آیا وضع اقدامات محدودکننده ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه ایران بر خودر دار از رعایت این شروط بوده است؟ و پاسخ باید یادآور شد با توجه به تصریح مواد ۲ و ۳ موافقت‌نامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT-Non Proliferation Treaty) و تصریح حق دارشدن کشورها (از جمله ایران) از فناوری هسته‌ای، به صرف احتمال وجود تهدید یا اعلام نیل به ۲۰درصد غنی‌سازی توسط ایران

(که هیچ ملازمه‌ای با سلاح هسته‌ای ندارد) به روشنی توسل به سازوکار «امنیت متقابل» در برابر این احتمال، با هیچ توجیه حقوقی پذیرفته نیست. از این رو به نظر می‌رسد برخی نتایج شدید تصمیم اتحادیه علیه اشخاص و نهادهای خصوصی متضرر از تصمیم، به استناد معاهده اتحادیه اروپایی نزد دیوان عمومی اتحادیه یا دیوان دادگستری اروپایی قابل پیگیری قضایی است.

مشروعیت تحریم‌ها

الف- بررسی مشروعیت از منظر حقوق خاص (- le Specialis):

حتی در قطعنامه‌های صادره علیه ایران که با فشارهای سیاسی آمریکا در راستای تحریم‌های یک‌جانبه قبلی این کشور وضع شدند، لزوم بایبندی کشورها به موضوعات حقوق بشر دوستانه (در بند ۱۰ قطعنامه ۱۹۲۹)، احترام به حقوق و تعهدات کشورها در رابطه با تجارت بین‌الملل (بند مقدمه‌امتی)، التزام به قوانین بین‌المللی در این خصوص و کنواسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها(بند مقدمه‌امتی) و ۱۵ اجزایی) و ضرورت توجه به مذاکره با ایران تصریح شده است. اما با کمال تعجب در تحریم‌های اتحادیه علیه این کشور حتی التزام به این تصریحات مراعات نشده است. این در حالی است که کشورها و نهادهای منطقه‌ای فقط در چارچوب منشور ملل متحد باید در راستای اهداف منشور با سازمان همکاری کنند.

ب- بررسی مشروعیت و از دیدگاه حقوق اروپایی:

در توضیح مبنای حقوقی تحریم‌های اروپایی، به نظر می‌رسد این رویکرد در چارچوب اهداف تعیین شده در «سیاست امنیتی و خارجی مشترک» اتحادیه (Common Foreign and CFSP Security Policy) صورت گرفته که به تفصیل در ماده ۱۱ معاهده اتحادیه اروپایی (Treaty of European Union) مطرح شده است. تمایل کشورهای اتحادیه اروپا نسبت به توسل به «اقدامات محدودکننده» و لزوم توجه به تأثیرگذاری بیش‌تر تحریم‌ها موجب شد که این اتحادیه ناگزیر شود چارچوب و اصولی برای تحریم‌ها و این گونه اقدامات وضع کند. بر این اساس در سال ۲۰۰۴ میلادی، کمیته امنیتی و سیاسی تحت نظر شورای اتحادیه، پیش‌نویسی را حاوی اصولی اساسی در مورد استفاده از اقدامات محدودکننده

و تحریم‌ها تدوین کرد که در راستای بحث ما حایز اهمیت است. بنابر برخی از مقررات این پیش‌نویس:

- تحریم باید راه موثری برای حفظ و بازسازی صلح و امنیت و در چارچوب منشور باشد. (بند ۱)

- این مجازات‌ها در ضرورت‌هایی چون جنگ با تروریسم و مقابله با گسترش سلاح‌های گشتزارجمعی،

حقوق بشر، مداخله، حاکمیت قانون (Rule of Law)، حاکمیت مطلوب (Good Governance) و مشروط بر مطابقت کامل با الزامات حقوق بین‌الملل وضع و اعمال خواهد شد.(بند۲)

- تحریم‌ها وقتی موثرند که حمایت بیش‌تری از اعضا و جامعه بین‌المللی را داشته باشند.(بند ۴)

- تحریم‌ها باید هدفمند بوده و بیش‌ترین آثر را بر آنها که هدف اصلی هستند گذاشته و کوشش شود کم‌ترین عوارض منفی حقوق بشری و تأثیرات جانبی بر کشورهای همسایه یا افرادی که به هدف اصلی نیستند را در حداکثر ممکن کاهش دهد (بند۵) و به جای غلطی

به نظر می‌رسد اتحادیه تحت فشارهای سیاسی خارج از اتحادیه و رژیم صهیونیستی از دقت در این ملاحظات و مقرراتی که خود وضع کرده است غافل شده و اقدام به تحریم علیه ایران به بهانه واهی کرده است. لیکن با تانسلف باید گفت زبان آملر و شواهد و مستندات، گویای آن است که در تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، بسیاری از این معیارها (از جمله الزامات حقوق بین‌الملل، تطابق با اصول و قواعد منشور، برهیزر از نتایج منفی حقوق بشر دوستانه برای مردم عادی و لزوم عنصر ضرورت و حمایت جامعه بین‌المللی) در قطعنامه اخیر صادره اتحادیه علیه ایران نادیده گرفته شده است و به همین دلیل حتی در چارچوب حقوق اروپایی و حقوق بشر دوستانه، نامشروع ارزایی می‌شود.

کاربرد برخی عبارت‌پردازی‌های مشکوک و غیرحقوقی در قطعنامه اخیر اتحادیه علیه ایران، مثل کاربرد واژه «رژیم» در مورد دولت قانونی و مستقر «جمهوری اسلامی ایران» و لحن تند و

سیاست

تحلیلی از محمدعلی حسینی سخنگوی سابق وزارت امور خارجه

تحریم یا تهدید

خصنامه قطعنامه مزبور، ریشه تأثیر گذاری سیاسی برخی لابی‌های سیاسی آمریکایی – صهیونیستی خارج از قطعنامه است که به‌طور جدی بدبینی را تشدید و شایبه تهدید و کاربرد زور و براندازی نظام را به‌عنوان هدف اصلی صدور قطعنامه تقویت می‌کند.

ج – بررسی مشروعیت از منظر حقوق و قواعد عام حقوق بین‌الملل (LexGeneralis):

۱ – تعارض تحریم‌های اروپایی و اصل حقوقی «مداخله نکردن» (Non- intervention) اصل مداخله نکردن کشورها در امور داخلی یا خارجی کشورهای دیگر از اصول اساسی حقوق بین‌الملل است. این اصل در بند هفتم ماده دو منشور ملل متحد تصریح شده و تلویحا از مقدمه و برخی مواد دیگر منشور مزبور نیز قابل استخراج است. رویه دولت‌ها وجود این اصل را با جدیت مورد تایید قرار می‌دهد و یک اجماع حقوقی میان دولت‌ها در این مورد وجود دارد. این اصل در معاهدات بسیار دیگر و نیز عرف بین‌المللی مورد تاکید قرار گرفته است.

مداخله‌اعم از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم یا دخالت در امور داخلی یا خارجی کشورهاست. دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوای فعالیت‌های نظامی علیه نیکاراگوئه این اصل را به این صورت تایید می‌کند «با توجه به یک قاعده عموما پذیرفته‌شده، اصل مداخله نکردن، هر کشور یا گروهی را از مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی دولت‌های دیگر بازمی‌دارد.»

در مورد تحریم اتحادیه (و نیز تحریم‌های فراطقلعه‌امای آمریکا) علیه ایران باید گفت، این تحریم‌ها آشکارا موجب دخالت «غیرمستقیم» در امور «داخلی» و «خارجی» ایران می‌شود چرا که دست‌کم در مورد نهادهای تحریم شده باید گفت همچون بانک‌ها و شرکت‌ها و نهادهای نظامی، جزء لینک‌اف امور داخلی مصوب‌می‌شوند.

۲ – تعارض با مقررات منشور ملل متحد و آنکتاد

یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه اقتصادی، داد و ستد بین‌الملل است. به عبارت دیگر هدف و انگیزه داد و ستد بین‌المللی صرفا بر طرف کردن احتیاجات دو طرف در زمینه تجاری نیست، بلکه باید در مواردی که یکی از دو طرف، کشوری در حال توسعه است از تبادل تجاری همچون ابزاری در جهت توسعه اقتصادی‌اش و بر کردن شکاف بین کشورهای فقیر و غنی استفاده کند. با در نظر گرفتن تحولات اخیر حقوق بین‌الملل، دولت‌ها موظف‌اند که از توسل به هر نوع اقدامی «مانند تحریم» و… که همکاری‌های بین‌المللی مغایرت داشته باشد خودداری کنند و حتی در مواردی که شورای امنیت از تصمیم گرفتن در این‌باره خودداری کند، دولت‌ات عضو این سازمان نتوانهند توانست متوسل به تحریم اقتصادی شوند. بند چهار ماده دو منشور سازمان ملل متحد به طور ضمنی این ضرورت را مورد تایید قرار می‌دهد و از کلیه اعضا می‌خواهد که در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه نامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری کنند. هیچ تردیدی نیست که همکاری‌های بین‌المللی یکی از مقاصد سازمان ملل متحد است و تحریم اقتصادی به‌طور جدی همکاری‌های بین‌المللی را تهدید می‌کند؛ با رواج نظام‌نظم اقتصادی که در سطح حقوق بین‌الملل در حال تدوین است، مغایرت دارد. «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری‌های بین دولت‌ها» مصوب ۱۹۷۰ نیز بر این نکته تاکید می‌کند و تهدید علیه عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت‌ها را مغایر با حقوق بین‌الملل می‌داند. همچنین برخی قطعنامه‌های صادره مجمع عمومی سازمان و رفتار و عملکرد عرفی کشورها نیز به نوبه خود از این نظریه جانبداری می‌کنند. از س‌وی دیگر کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) قطعنامه‌ای با عنوان «قبول نکردن اقدامات اقتصادی قهرآمیز» صادر کرد که در آن اشاره می‌کند «کشورها

حقوق اعمال سراسری، محاصره، ممنوعیت معامله با سایر مجازات‌های اقتصادی به‌عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی، سیاسی واجتماعی کشورها اثر گذارد، ندارند.» کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد)، با توجه به این مطلب در قطعنامه‌ای اعلام می‌کند که «بین اقدامات اقتصادی کمکی بر ایجاد جو مسالمت‌آمیز که لازمه توسعه است، نمی‌کند.

۲ – تعارض با مبانی و مقررات حقوق بشر و قواعد حقوق بشر دوستانه

با وجود گرایش‌های اعلام شده از طرف اتحادیه اروپا مبنی بر رویکرد اصلی حقوق بشری در

اتحادیه، تحریم وضع شده اخیر به روشنی با بسیاری از مقررات حقوق بشری تعارض دارد که در اینجا به بخشی اشاره می‌شود:

حقوق فردی و مدنی: همچنان که در فهرست ضمیمه تحریم‌ها تصریح شده، بسیاری از اشخاص حقیقی و مسوولان و مدیران و حتی افراد عادی ایرانی، بدون اثبات هیچ اتهامی، در تحریم‌ها ضمیمه قطعنامه‌های تحریم، مورد تحریم واقع شده‌اند. این افراد آشکارا از بسیاری از حقوق اساسی مانند حق آزادی و امنیت شخصی، حق آزادی رفت و آمد، آزادی تجارت و کار، آزادی دفاع قضایی و دادخواهی عادلانه، حیثیت فردی و خانوادگی این افراد و ده‌ها حق شخصی و خانوادگی محروم شده‌اند. این حقوق اعلامیه حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و دو معتنفی از منشور حقوق مدنی سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی که اکثر کشورها و از جمله کشورهای عضو اتحادیه به آن پیوسته‌اند و به‌خصوص در کنواسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ (ECHR) و پروتکل‌های پنج‌گانه آن تصریح شده و لازم‌الرعایه هستند.

حقوق اقتصادی: مبتیای بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۴۶ مصوب مجمع عمومی که اکثر دولت‌ها از جمله دولت‌های اروپایی به آن ملحق شده‌اند، در مواد ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸، حقوقی از قبیل حق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب

کار، حق برخورداری از زندگی مناسب و برخورداری از غذا، پوشاک و مسکن کافی، بهداشت، آموزش و پرورش و نیز حق برخورداری از پیشرفت علوم و فنون و حق برخورداری از مزایای دستاوردهای فکری و هنری را به تشریح بیان کرده است. حتی تحریم برخی از کالاهای خاص مانند رادیو‌داروها و قطعات هواپیما یا کالاهایی که از آن به‌عنوان کالاهایی با کاربرد دوگانه یاد شده، بنابر گزارش‌های رسمی، حق حیات برخی از اتباع ایرانی را سلب یا مورد مخاطره جدی قرار داده است. تحریم‌ها بدون شک، مردم عادی کشور مورد تحریم را از این حقوق محروم می‌کند و صرف اینکه با شیوه فریب‌آمیزی تصریح شود که این تحریم‌ها صرفا برای تحت فشار قرار دادن دولت و نظام سیاسی ایران وضع شده و بنا ندارد مردم عادی را هدف بگیرد یا اینکه در بخشی از مقررات اجرایی قطعنامه نوشته شود «ولی تجارت مشروع می‌تواند تحت شرایط سخت و کنترل شده‌ای ادامه یابد»، این تعارض را بر مرقع نمی‌کند. یادآوری می‌شود که این تحریم‌ها نه‌تنها حقوقی از نسل جاری بلکه حقوق نسل‌های آتی را نیز زایل می‌کند. مگر می‌توان بیان کرد که تحریم نفت، بیمه، تبادل تجاری و نقل و انتقالات بانکی حتی برای اتباع کشور و گسترش و توسعه جوامع نفتی و سرمایه‌گذاری خارجی و بانک مرکزی و بسیاری از کالاهای مردم عادی را هدف نخواهد گرفت؟

حق توسعه و حق تعیین سرنوشت: تحریم‌ها، «حق توسعه» بنا به تعریفی که در اعلامیه وین و برنامه عمل ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ از آن به‌عنوان جزئی جانشدنی از حقوق اساسی بشر یادشده و نیز «حق تعیین سرنوشت» بنا به تعریفی که در بند دو ماده یک منشور ملل متحد ذکر شده را در مورد برخورداری مردم ایران از این حقوق مورد تعرض قرار داده و نادیده گرفته است. کمیسیون حقوق بشر تحت عنوان «حقوق بشر و اقدامات قهر آمیز یک‌جانبه» به صراحت محدودیت‌های تجاری، محاصره ممنوعیت معامله و مسدود کردن دارایی‌ها را به‌عنوان اقدامات مجبور کننده‌ای فهرست می‌کند که از لحاظ حقوق بشر نامشروع محسوب می‌شوند. این حقوق نه‌تنها حق نسل‌های کنونی، بلکه حق نسل‌های آتی را نیز شامل می‌شود.

۴ – تعارض تحریم و آزادی تجارت

بدیهی است جامعه بین‌المللی منافع مشترکی در اقتصاد

جهانی دارد. در این صورت کشورها

نه‌تنها حق دارند در حرکت جامعه جهانی به سمت شکل‌دهی یک نظام یکپارچه و باز قدم بردارند بلکه موظفند از اخلاล به روند این توسعه جلوگیری کنند. بنابراین آنچه از منظر حقوق‌دانان بین‌الملل در این رابطه اهمیت دارد نه الزام کشورها به ایجاد ارتباط تجاری با تمام کشورهاست بلکه منع دولت‌ها و جلوگیری از اتباع خود برای فعالیت‌های تجاری آزاد و «آزادی تجارت» با دیگر ملتها و دولت‌هاست. این اصل حقوقی داخلی بدون شک از اصول اولیه و طبیعی در حقوق خصوصی، معاملات و تجارت است. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز، اجبار اقتصادی یا سیاسی شدید به منظور به خطر انداختن تمامیات ارضی یا استقلال سیاسی دولت را در زمره اقدامات متقابل غیر قانونی فهرست کرده است. «آزادی کشتیرانی تجاری» نماد برجسته و مکمل «آزادی تجارت» است که متأسفانه در قطعنامه‌ای که اخیرا به‌عنوان «آزادی تجارت» تصدیه شده علیه ایران به‌طور جدی مورد تحدید و تحریم واقع شده است

است. «آزادی کشتیرانی تجاری» نماد برجسته و مکمل «آزادی تجارت» است که متأسفانه در تحریم‌های وضع شده علیه ایران به‌طور جدی مورد تحدید و تحریم واقع شده است. «آزادی کشتیرانی» یکی از محوری‌ترین اصول پذیرفته شده حقوق دریاها و کنواسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها» و عرف بین‌المللی است. موفقیت شرکت کشتیرانی «هلسینگ» آلمانی که نام آن براساس دستور شماره ۲۰۱۱/۹۶ مورخ ۲۰۱۰، در فهرست تحریم اتحادیه اروپا بود، در شنبه ۴ دادگاه اتحادیه اروپایی از نمونه دعای موفقی است که بیانگر غیرقانونی بودن تصمیمات اتحادیه است. شرکت‌های کشتیرانی ایرانی نیز خود را ذی‌حق دانسته و به نوبه خود دعوای‌های دیگری علیه تحریم‌ها اقامه کرده‌اند.

۵ – تعارض تحریم با تعهدات بین‌المللی و دوجانبه

حقوق‌دانان بر این باورند که در مواردی که اقدامات محدودکننده اقتصادی منجر به نقض تعهدات عهدنامه‌ای خاص یا اصول عام و مورد وفاق حقوق بین‌الملل شود، این اقدامات غیرقانونی است. مشهورترین هدف یکی از اصول حاکم بر WTO اصل Most Favoured–Nation Treatment (MFN) است که در ماده یک طبق آن بر آزادی تجارت و همه انواع تجارت تاکید شده و دولت‌های عضو، مجاز به اعمال تبعیض آمیز در صادرات و واردات کالا و خدمات از جمله از طریق تحریم نیستند. این اصل در ماده دو موافقت‌نامه General Agreement onTrade in Service-) (GATS و ماده چهار موافقت‌نامه Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights- (TRIPS) و ماده سه موافقت‌نامه تعرفه و تجارت (GATT) هم با بیانی دیگر مطرح شده است. در زمینه معاهدات دوجانبه، باید گفت ایالات متحده آمریکا با تحریم‌های خود علیه ایران، تعهدات صریح منبعت از عهدنامه مودت، تجارت و حقوق کنسولی ۱۹۵۵ (از جمله بند دو ماده هشت و ماده ۱۰) و بیانیه ۱۹۸۸ (از جمله بند ۱۰ بیانیه) الجزایر را نقض کرده است. هم ایران و هم ایالات متحده در سال‌های اخیر به این عهدنامه استناد جسته‌اند و اعتبار حقوقی دارد. اعتبار این عهدنامه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دعوی اسکوهان نفی ایران علیه آمریکا به‌عنوان بخشی از حقوق حاکم بر روابط ایران و آمریکا مورد تایید و تصریح قرار گرفته است. به همین ترتیب کشورهای اروپایی (از جمله کشور ایتالیا) موافقت‌نامه‌های متعددی در زمینه‌های مختلف روابط اقتصادی و مالی، بانکی و مالیاتی با ایران دارند که توسط نهادهای قانونی دو کشور به تصویب رسیده و لازم‌الرعایه هستند. به طور مشخص، موافقت‌نامه‌های «تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری متقابل» و «معافیت از اخذ مالیات مضاعف» از جمله موافقت‌نامه‌های دوجانبه رایج بین کشورها

هستند که ایران نیز این موافقت‌نامه‌ها را با بسیاری از کشورها منعقد کرده است. تحریم‌های اخیر وضع شده می‌تواند نقض یک‌جانبه این موافقت‌نامه‌ها تلقی شود. همین‌جا باید یادآور شد ماده ۲۵ اساننامه دیوان اروپایی حقوق بشر حتی احتمال و امکان شکایت اتباع ایرانی متضرر از اعمال فشارها یا تحریم‌ها را از تصمیم اتحادیه پیش‌بینی کرده است.

د- تحریم بانک مرکزی ایران

در بندهایی از مقررات قطعنامه اخیر اتحادیه اروپایی، محدودیت‌های جدی قابل‌توجهی را علیه بانک مرکزی ایران در زمینه «تسداد دارایی‌های بانک در قلمرو دولت‌های عضو، نقل و انتقال پول، تحریم معاملات مربوط به فراتر از گرنه‌ای متعلق به بانک و تحریم تحویل اسکناس و مسکوکات به بانک» مطرح شده است. هرچند با توجه به تحولات اخیر در روابط حقوقی، اقتصادی و بین‌المللی، دکترین پذیرفته شده قرن ۱۸ و ۱۹ مبنی بر «مصونیت مطلق و اموال دولتی» به تدریج و پس از تحولات، به پذیرش دکترین «مصونیت محدود» در قرن بیستم تغییر یافته است اما تحریم بانک مرکزی به دلیل اهمیت آن همواره مورد توجه حقوق‌دانان بوده است. دیوان عالی فلورانس ایتالیا در سال ۱۸۷۶ نخستین دادگاهی بود که به صراحت با تفکیک اعمال دولت به دو نوع اعمال حاکمیت (Jure imperii) و اعمال حاکمیت (Jure gestionis)، مصونیت دولت را فقط نسبت به اعمال حاکمیتی (یعنی اعمالی بیابگر اقتدار دولت و تضمین‌کننده نظم عمومی است) پذیرفت و یادآور شد دولت‌ها در فعالیت‌های تصدی‌گری خود (یعنی اعمالی که دارای ماهیت خصوصی بوده و دولت‌ها در انجام آن به مانند یک تاجر بخش خصوصی عمل می‌کنند) مصونیت ندارند. در چند معاهده بین‌المللی جامعی در ارتباط با مصونیت دولت و اموال آن وجود ندارد و کنواسیون ۲۰۰۴ مربوط به مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن (United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and their property) نیز هنوز به دلیل به حدیصل ترسیدن تعداد کشورهای عضو، به اجرا در نیامده است اما «کنواسیون اروپایی ۱۹۷۲ مصونیت دولت» از جمله معاهدات مهم در این ارتباط است که لازم‌الاجرا شده است. تئوری مصونیت محدود دولت‌ها، پایه اصلی این دو کنواسیون است. کنواسیون مزبور، اعمال حاکمیت‌های تجاری، محاصره (Jure imperii)، (مانند اصول دیپلماتیک و اموال نظامی) اعمالی تعریف کرده که دولت برای اقتدار حاکمیت خود انجام می‌دهد و بنابراین از مگرک، سیاست پولی و… جز این گونه‌ا نه هستند. مواد شش تا ۱۰ کنواسیون اروپایی مصونیت دولت، اعمال تجاری (تصدی‌گری) دولت را به دقت احصا کرده است. با در نظر گرفتن هر معیار برای تفکیک اعمال حاکمیتی دولت از اعمال تصدی‌گری آن، با قاطعیت می‌توان گفت «سیاست‌های پولی»، «مالی» و «موال، حقوق، منافع و فعالیت‌های خاص» بانک مرکزی که در سرمایه‌گذاری و هدایت سرمایه و نقل و انتقال پول و چاپ اسکناس و تنظیم روابط بین بانک‌ها و بانک‌های سنجی می‌یابد از جمله بازترین فعالیت‌های «بانک مرکزی ایران» بوده که به روشنی جزو اعمال حاکمیتی دولت ایران تلقی می‌شود. روشن است که اجرای تحریم گسترده علیه بانک مرکزی مانع اعمال اعتبار سیاسی و اقتصادی کشور خواهد شد. اما با این وجود متأسفانه در تحریم‌های اتحادیه علیه ایران بسیاری از این موارد مورد تحریم قرار گرفته‌اند و در این ارتباط، حتی کنواسیون اروپایی مصونیت دولت نقض شده است، یادآوری می‌شود کنواسیون مصونیت دولت و اموال آن مصوب ۲۰۰۴ مجمع عمومی ملل متحد نیز، اموال بانک مرکزی یا دیگر نهادهای مالی متعلق به دولت را به‌عنوان اموال خاص دولت تلقی کرده و در ماده ۲۱ به صراحت آن را در کنار اموال نظامی و دیپلماتیک به‌عنوان دسته‌های خاص اموال دولت محسوب کرد. این گونه اموال را مصون تلقی کرده است. بالاتر از این باید گفت تعدادی از کشورهای اروپایی و حتی دولت ایران، با دلیل اهمیت بانک‌های مرکزی دولت‌ها و ارتباط مستقیم این بانک‌ها با سرنوشت مردم کشورها، در مقررات خود اساسا مصونیتی جایز از مصونیت اموال دولت، برای بانک‌های مرکزی قابل شده‌اند که حتی در صورت مورد تعرض قرار گرفتن مصونیت دولت، مصونیت بانک مرکزی مورد تعرض و خشه واقع نشود. از این رو تحریم بانک مرزی ایران نیز به نوبه خود یکی از نقض‌های آشکار حقوق بین‌الملل در عرصه اقتصادی و سیاسی است.

نتیجه

حقوق بین‌الملل به صورت عام و اسناد بین‌المللی ناظر بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و